

فضا، جامعه و امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلان شهر تهران (شهرستان اسلامشهر)

سرتیپ دوم پاسدار دکتر بهمن کارگر^۱

۸۹/۱/۱۸

۸۹/۳/۳

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

سکونت قریب به ۸ میلیون نفر در سکونتگاه‌های غیررسمی یا محلات فرو دست شهری، یکی از چالش‌های اساسی در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری ایران محسوب می‌شود که خاستگاه و علل گسترش آن را می‌توان در مولفه‌های مختلفی از سطوح کلان، میانه و خرد در رابطه با شرایط اقتصادی، سیاسی، مدیریتی، قانون‌گذاری، جمعیتی، تبیین و تحلیل کرد که در چارچوب نظریات مختلفی مورد بحث و بررسی و کالبد شکافی علمی قرار گرفته‌اند که از آن جمله می‌توان به نظریات مهاجرت و عدم تعادل‌های فضایی اشاره کرد. در میان معضلات کالبدی، اقتصادی، اجتماعی سکونتگاه‌های غیررسمی، مسئله امنیت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها به شمار می‌رود. هدف اصلی این مقاله تبیین ابعاد فضا - جامعه و امنیت اجتماعی در محدوده سکونتگاه‌های غیررسمی می‌باشد که برای این منظور حاشیه جنوبی کلانشهر تهران (مطالعه موردی شهرستان اسلامشهر) انتخاب شده است. نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای بوده و از ابزارهای اسنادی، تحلیلی، بازدیدهای میدانی، مصاحبه، تکمیل و تحلیل پرسشنامه برای آزمون فرضیاتی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی تابعی از مولفه‌های فضا - جامعه و ساختارهای اقتصادی - اجتماعی و مدیریتی می‌باشد و ارتقاء سطح آن منوط به پیگیری و پیاده‌سازی مجموعه یکپارچه‌ای از راهبردهای کلان، میانه و خرد می‌باشد که پیاده‌سازی رویکرد امنیت و پلیس جامعه محور و حذف تدریجی رسم حاشیه‌نشینی و تلاش در برقراری توازن‌های ملی - منطقه‌ای و تقلیل عوامل اثرگذار در چرخه جدایی‌گزینی اکولوژیکی از مهمترین آنها به شمار می‌رود.

کلید واژه‌ها:

فضا - جامعه - امنیت اجتماعی - سکونتگاه‌های غیررسمی

۱. معاون اجتماعی ناجا و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی و دانشگاه آزاد اسلامی

طرح مسئله

طبق آمار ارائه شده در برنامه اسکان بشر سازمان ملل، از هر سه نفر در جهان در خلال ۳۰ سال آینده، یک نفر در مناطق حاشیه شهرها و سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی خواهد کرد. در این گزارش آمده که از قریب به ۷ میلیارد نفر جمعیت جهان حدود ۹۴۰ میلیون نفر در مناطق غیربهداشتی، بدون سرپناه و به دور از خدمات عمومی - امنیتی، شهری زندگی می‌کنند.

جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه در ۲۰ سال آینده با رشد بسیار انبوه با ۷۰ میلیون نفر در سال به ۴/۴ میلیارد نفر خواهند رسید، چنانکه در گزارش سازمان ملل آمده است در سی سال آینده دو میلیارد نفر در سکونتگاه‌های غیرقانونی، ناسالم و شلوغ اطراف شهرها به سر خواهند برد (UN. Habitat. October 2005).

در کشور ایران نیز، همراه با سایر کشورهای در حال توسعه جهان شاهد رشد و گسترش شهرنشینی و متعاقب آن اسکان غیررسمی بوده‌ایم به نحوی که نقش مهاجرت به ویژه جاذبه رو به رشد شهرهای کشور و تجمع تبعیض آمیز سرمایه در این فضاهای منطقه‌ای عامل مهمی در گسترش شهرنشینی در ایران بوده است (زنجانی، ۱۳۸۲: ۲۳۳ به نقل از آقابخشی ۱۳۸۲ ج ۲). به گزارش سازمان بهزیستی کشور پیش‌بینی می‌شود تا پایان دهه ۱۳۹۵ جمعیتی ۱۵ میلیونی از روستاییان کشور به شهرها مهاجرت نمایند و این امر بیش از دهه‌های ۶۰ - ۷۰ به صورت یک مسئله اجتماعی در ایران خواهد بود.

مهمترین اثر و بدترین پیامد ناگوار مهاجرت عظیم به شهرها، شکل‌گیری و پیدایش بحران حاشیه‌نشینی است. مطالعات نشان می‌دهد که حدود ۸۰ درصد حاشیه‌نشینان شهرها را مهاجران روستایی تشکیل می‌دهند (میری آشتیانی، ۱۳۷۲: ۱۵). مسلم است که انگیزه اصلی این حاشیه‌نشینان از اقامت و مهاجرت، دستیابی به اشتغال و استفاده از فرصت‌های شغلی بهتر شهرها می‌باشد.

در حال حاضر پدیده حاشیه‌نشینی در کشور به صورت یک مسئله اجتماعی حاد جلوه‌گر شده است و مناطق و فضای کالبدی اطراف شهرها به صورت نواحی جرم‌خیز درآمده‌اند در اطراف اغلب شهرهای کشور، مناطق حاشیه‌نشین بسیاری وجود دارد که این مناطق با مشکلات بنیادین از قبیل فقر، بی‌سوادی، سطح پایین آگاهی، نرخ بیکاری، سکونت غیررسمی، اشتغال غیررسمی و ... دست به‌گریبانند. فشار ناشی از این عوامل به ویژه ساختار طبقاتی ناشی از

فرا دستی و فرودستی حاکم و شکل گیری ذهنیت مقایسه‌ای و در نهایت احساس محرومیت نسبی افراد حاشیه‌نشین را به سوی دست آلودن، ناگزیر به جرم و جنایت سوق می‌دهد. بدین ترتیب با گسترش فضای شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی؛ میزان ناهنجاریهای شهری به ویژه در نواحی حاشیه‌ای شهرها افزایش می‌یابد. محیط اجتماعی و مسکونی افراد، ساختارهای نامناسب شغلی، ناکامی اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام گسیخته ناهنجاریها و گسترش ناامنی‌های اجتماعی را فراهم کرده است.

ایران، مانند بسیاری از کشورهای جهان سوم، بعد از دهه ۱۳۳۰ از نظر افزایش جمعیت، شهرنشینی و تمرکز جمعیت شهرنشینی در مراکز استان‌ها و در رأس آن پایتخت، چنان بی‌رویه رشد کرده است که کنترل، هدایت و مدیریت مسائل شهری، به ویژه معضلات تبعی، آن را در عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی، فضایی و امنیتی به مهمترین مسئله ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده است. به طوری که براساس نتایج سرشماری‌های رسمی کشور، تصویر کلی از وضعیت جمعیتی این منطقه نشان می‌دهد که مناطق جنوبی و جنوب غربی تهران نظیر اسلامشهر، پاکدشت، رباط کریم و شهریار در طول چهل سال اخیر از یک روستای چند صد نفری به مراکز شهری بزرگ با معضلات عدیده کالبدی - اقتصادی و اجتماعی تبدیل شده‌اند.

تداوم مهاجرت به موازات رشد طبیعی جمعیت و توسعه ابعاد فضایی فعالیت‌ها، توسعه فضایی حاشیه کلانشهر تهران را ابعاد وسیعی بخشیده و برون‌فکنی مشکلات متعدد نظیر مسکن، کارگاه‌های آلاینده و استفاده بدون برنامه از زمین، عملاً، نابسامانی‌های شدیدی را در استقرار جمعیت و فعالیت به وجود آورده است. علاوه بر این، ماهیت مناطق پیرامونی تهران به صورت حاشیه‌نشین یا اسکان غیررسمی می‌باشد که ساختارشناسی آن دلایل متعددی را نظیر ماهیت الگوی توسعه، خواست نظام اقتصاد سیاسی و رویکرد برنامه‌های توسعه شهری را در بروز این وضعیت نشان می‌دهد.

با چنین تصویری از واقعیت کنونی منطقه شهری تهران و مناطق حاشیه‌نشین آن که ابعاد آن به موازات رشد جمعیت و تداوم مهاجرت شدیدتر نیز خواهد شد، ارائه تحلیلی ساختاری از ارتباط مقوله جامعه، فضا و امنیت جزء مباحث مهم و قابل توجه به شمار می‌رود (مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، ۱۳۸۳: ۲۷). لذا به عنوان نمونه، تحلیل ابعاد امنیت

اجتماعی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران با مطالعه موردی اسلامشهر و نحوه اثر گذاری یا اثر پذیری آن از مؤلفه‌های فضا و جامعه و ارائه مدلی مفهومی به پشتوانه مطالعات نظری و تحلیل کمی به‌مراه راهبردهای برون رفت از وضعیت نابسامان، مسئله اصلی این تحقیق می‌باشد.

فرضیات تحقیق

- ۱- تکوین و گسترش ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی، که به‌صورت جدایی‌گزینی اجتماعی-فضایی در شهرستان اسلامشهر بروز و جلوه کرده است، برخاسته از نظام اجتماعی-اقتصادی کشور، کلان‌شهر تهران و شهرستان اسلامشهر در دوران پهلوی است.
- ۲- ساختارهای فضا، جامعه و امنیت اجتماعی کنونی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران، دنباله ساختارهای پیدا و پنهان گذشته و تداوم فقدان مدیریت آمایش سرزمین و در نتیجه برون‌رفت راه‌حل‌های مدیریتی و سامان‌بخشی به ویژه در مناطق مبدأ مهاجرت‌ها به شهرستان اسلامشهر از حیطه شهرستان اسلامشهر است.
- ۳- بهبود ریشه‌های مبانی و شاخص‌های امنیت اجتماعی از منظر رویکرد راهبردی-ساختاری در شهرستان اسلامشهر تنها با مدیریت یکپارچه بر مبنای راهبردهای قانون اساسی، سیاست‌های نظام و قوانین ذیربط در سطوح مختلف تقسیمات کشوری و تبدیل آنها به برنامه‌های اثربخش اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و فضایی امکان‌پذیر است.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت و ابعاد موضوع تحقیق، این مطالعه از نوع تحقیقات بنیادی و کاربردی است که با شناخت عمیق علل و عوامل و تحلیل، بار کیفی و ارزشی پدیده‌های مربوط به محیط انسانی و رفتارهای انسانی سروکار دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۷). تعمیق بخشیدن به نظریه‌های موجود و نیز کار بست یافته‌های پژوهش میدانی در حل یک مسئله و رفع نیازمندی‌های جامعه دو مشخصه اصلی این تحقیق محسوب می‌شود.

جامعه آماری، حجم نمونه

جامعه آماری تحقیق حاضر را ساکنان اسلامشهر تشکیل می‌دهند. به تناسب جمعیت هر

یک از محلات (شامل دو محله با ساختارهای فضا و جامعه‌ای متفاوت)، نمونه مورد نظر جمع‌آوری خواهد شد.

به منظور توزیع متناسب بودجه و امکانات و به دست آوردن نمونه، از جامعه آماری و همچنین براساس تجربیات قبلی، ماهیت منطقه مورد مطالعه و اهداف تحقیق، حدود ۵۰۰ نمونه مورد بررسی قرار خواهد گرفت به نحوی که نمونه‌های فوق‌الذکر قابلیت نمایایی مقوله امنیت اجتماعی در محلات مذکور را در رابطه با ساختارهای فضا و جامعه دارا باشند.

تکنیک‌های تحقیق

در این تحقیق از سه تکنیک اسنادی (مراجعه به کتب مقالات و اسناد...) مشاهده و مصاحبه (تهیه پرسشنامه و مصاحبه حضوری) استفاده شده است.

مفاهیم

فضا: عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساخت‌مندشدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی درک و نظریه‌پردازی نمود. ساخت‌یابی فضایی - زمانی زندگی اجتماعی روشن می‌کند که چگونه رابطه و کنش اجتماعی به لحاظ مادی ساخته و عینی می‌شود (شکویی، ۱۳۷۵: ۵۶ - ۲۲).

بین ساخت فضایی و ساخت اجتماعی یا تمایز یافتگی‌های فضایی و اجتماعی، ارتباط روشنی برقرار است. در این بین منطق توزیع فضایی یا ساخت فضایی معلول و تابع منطق توزیع اجتماعی یا ساخت اجتماعی بوده و از آن نشان دارد و اگر بتوان ساخت اجتماعی را به گروه‌بندی‌های نابرابر قدرت که بر سر دستیابی به منابع و فرصتها، از طریق فرایند انسداد، مبارزه می‌کنند برگرداند، ساخت فضایی به گونه‌ای متبلور و تجسم‌یافته روابط نابرابر قدرت است. به سخن دیگر، اشکال فضایی ساخت هندسی روابط نابرابر قدرت در جامعه است (افروغ، ۱۳۷۵: ۳۰ - ۱۸).

منشأ جدایی‌گزینی‌های فضایی در کل به سه عرصه مختلف و مرتبط با یکدیگر برمی‌گردد:
۱- نظم اقتصادی یا ساختار اقتصادی (سازوکار تولید، توزیع و روابط طبقاتی ناشی از آن به طور خاص، جدایی‌گزینی فضایی در عرصه تولید ناشی از تقسیم کار فنی و گروه‌بندی‌های توزیعی)

۲- دولت و نظم و ساختار سیاسی (میزان دخالت دولت و مدیران شهری در توزیع فضا و منابع شهری و کنترل‌های رسمی بر نابرابری‌های طبقاتی، جنسی، نژادی، قومی، مذهبی و ...) ۳- عرصه زیستی اجتماعی (نظم‌زیستی و اظهاری، نیاز به هویت، خودگردانی، نیاز به قلمرو، امنیت هستی‌شناختی، مراقبت از خویشان، گروه‌بندی‌های جنسی، قومی، نژادی، منزلتی - مذهبی و ...).

حاشیه نشینی: اصولاً حاشیه‌نشینی نوعی بی‌سازمانی فضایی اجتماعی است که به شکل مستمر اصول و راهبردهای توسعه پایدار جامعه را به چالش می‌کشد. این پدیده در بستر اجتماعی متأثر از اختلال کارکردی در نظم اجتماعی و نابرابری در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که در عمق، مسائل اساسی نظیر فقر، تورم، مهاجرت، حاشیه‌نشینی را تولید می‌کند و در سطح آسیب‌ها انحرافات و آشفتگی‌های اجتماعی را در حوزه امنیت اجتماعی بازتولید می‌کند.

در نهایت اصطلاح سکونتگاه یا اسکان غیر رسمی شامل سکونتگاه یا شکلی از اسکان است که دارای یک یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های زیر باشد:

(الف) با تکیه بر حرکت خودجوش و خودانگیخته مردم (ساکنان) شکل گرفته است و متکی بر خواست، انگیزش و مبتنی بر توان و امکانات آنها باشد.

(ب) بدون نظارت، کنترل و مدیریت رسمی دولت و نهادهای عمومی شکل گرفته و سریعاً رشد کرده باشد.

(ج) با توجه به ویژگی خودرو و بی‌برنامه بودن رشد و دگرگونی، سکونتگاه‌ها از جهت تأمین خدمات و زیربنای دچار ضعف هستند و در حداقل خدمات و امکانات زیستی به سر می‌برند.

(د) تملک و تصرف زمین و نیز نحوه تفکیک و استفاده از زمین خارج از چارچوب‌های معمول و متعارف رسمی و قانونی و بدون گرفتن مجوزهای لازم نهادها و دستگاه‌های رسمی صورت پذیرفته باشد.

(ه) ساخت و ساز و تأمین زیرساخت‌ها و خدمات با نقض قوانین و مقررات موجود و رسمی صورت گرفته باشد.

(و) شکل‌گیری و دگرگونی آنها مبتنی بر طرح و برنامه از پیش اندیشیده نباشد، بلکه مبتنی بر ساخت اجتماعی و فرهنگی سکونتگاه در مراحل مختلف شکل‌گیری و دگرگونی باشد.

رویکردهای تبیینی اسکان غیررسمی در قالب سه دسته اصلی شامل مسئله گرا، بنیاد گرا و هدف گرای راه حل گرا به شرح جدول شماره ۱ قابل ارائه است.

امنیت و امنیت اجتماعی: در تعریف لغوی، امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید است» (بوزان ۱۳۷۸: ۵۲). رابرت ماندل می نویسد: امنیت به لحاظ مفهومی، چهره‌ای متغیر دارد. از همین رو ارائه تعریفی کامل از امنیت، مستلزم بررسی و تحقیق در خصوص مفاهیم کلیدی چون قدرت، تهدید و ساختارهای جامعه است. از دیدگاه مسعود چلبی، ناامنی، حالات یا موقعیت‌هایی هستند که نظم، انسجام و آرامش را برهم می‌زنند. (واثقی، ۱۳۸۱: ۱۴ و ۱۳)

براساس بررسی‌های صورت گرفته در زمینه معنی، ابعاد و ماهیت امنیت در ساختار اجتماعی، بدون وجود یک نگرش مبتنی بر تحلیل جامعه و فضا از امنیت مشخص نمی‌شود و امکان دستیابی به معنا و نظریه‌ای بومی از امنیت در جامعه وجود نخواهد داشت. از این منظر امنیت فرایندی اجتماعی ارزیابی می‌گردد که متناسب با تحول متن آن، تغییر می‌یابد و امنیت را بدون منظری اجتماعی نمی‌توان درک کرد. همچنین به تبع تحولات متن امنیت، امری نسبی و پیوسته در حال تحول می‌باشد. بنابراین کشف رابطه موجود بین «رویکرد امنیت» با «فضای اجتماعی» در جامعه شهری مورد تأکید است.

جدول شماره ۱: گروه‌بندی دیدگاه‌ها و نظریات در عرصه پیدایش و ساماندهی مسائل حاشیه‌نشینی (اسکان غیررسمی)

وجه و مشخصه های بارز و مورد تاکید نظریات	نظریات وابسته	رویکرد اصلی
<ul style="list-style-type: none"> - تقلیل مسئله حاشیه نشینی یا اسکان به حد یک عارضه شهری - نتیجه کارکرد غلط و ناقص برنامه ریزان و مدیران شهری - نادیده گرفتن ریشه‌ها و بنیادهای مؤثر در خلق حاشیه‌نشینی - اسکان غیررسمی یا حاشیه‌نشینی صرفاً یک پدیده طبیعی و عادی شهری می‌باشد. - حاشیه‌نشینی نتیجه ستیز طبقاتی برای مسکن و زمین و سکونت در جامعه است. - تأکید بر عامل جدایی‌گزینی اجتماعی و تأثیر گروه‌ها مرجع - اسکان غیررسمی یا حاشیه‌نشینی با حذف، پاکسازی، جمع‌آوری و اقدامات فیزیکی قابل رفع است. - این دیدگاه بیشتر در کشورهای غربی قابل تعمیم است (تحلیل جدایی‌گزینی‌های مذهبی، نژادی و نظایر آن) - توجه به نتایج جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی و مشکلات بعدی از برتری‌های این نظریات است. 	<p>نظریات اکولوژیکی شهری سازمان و قدرت گرایان نظریات تلفیقی این دو گرایش</p>	<p>نظریات مسئله‌گر</p>
<ul style="list-style-type: none"> - حاشیه نشینی بازتاب سازوکارهای نظام سرمایه داری جهانی است. - اسکان غیررسمی حاشیه‌نشینی نتیجه نظام مرکز پیرامون می‌باشد. - این نظریات ریشه‌ها، بنیادها و عوامل اصلی شکل‌گیری حاشیه‌نشینی یا اسکان غیر رسمی را توضیح می‌دهند. - وجود ارتباط تنگاتنگ بین نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جوامع جهان سوم با شکل‌گیری سکونت‌های غیر رسمی - الگوی شهرنشینی، روند شهرنشینی، الگوی توسعه، اصلاحات کلان سیاسی، اقتصادی، نظام سرزمینی و نظام سکونت، تبیین‌کننده علت، نحوه و مراحل شکل‌گیری اسکان غیر رسمی است. - تأکید بر اصلاح نظام سیاسی، اقتصاد سیاسی، رویکرد برنامه اول کشور، تقویت مشارکت، رویکرد به توسعه پایدار و در کل حواله بهبود و رفع معضل حاشیه‌نشینی را به اصلاح نظام سیاسی ملی و بین‌المللی از سایر نکات عمده این دیدگاه‌ها است. - تبیین صحیح نقاط عقب ماندگی، تحلیل ساختاری تفاوت نظام شهرنشینی جهان سوم با کشورهای پیشرفته، آگاه‌سازی جامعه به فراست تغییرات بنیادین در اقتصاد سیاسی، کالبد شکافی عوامل توانمندی نظام‌های مدیریت شهری در تأمین زیر بناها و بهبود شرایط از نکات قوت آن است. 	<p>ساخت گرایان نظریات وابستگی نظریه شهر جهانی نظریه اقتصاد سیاسی نظریه نوسازی</p>	<p>نظریات بنیادگر</p>
<ul style="list-style-type: none"> - در نظریات با علل و عوامل دخیل در پیدایش اسکان غیررسمی کاری ندارند. - اسکان غیر رسمی یا حاشیه‌نشینی و تبعات ناشی از آن نظیر امنیت و فقر را به عنوان یک واقعیت شهری می‌پذیرند. - بر مبنای این نظریات اسکان تغییرات بنیادین و فوری در کلیه شئون جامعه برای بهبود و برون رفت از وضعیت نابسامان اسکان‌های غیر رسمی وجود ندارد. - با واقع بینی فوق بایستی راهکارها و راه‌حل‌های خودجوش، واقع بینانه، دافع مسائل، مبتنی بر واقعیات و قدم به قدم را در پیش رو گرفت. - سکونتگاه‌های خودرو نوعی پاسخ به مسئله مسکن و کار در مناطق کلان‌شهری هستند. - این پاسخ در چارچوب توانها، مقتضیات و خواستههای مردم فقیر معنا یافته و شکل فضایی - کالبدی متناسب خود را یافته است. - ارائه ندادن پاسخ بنیادین، همیشگی و نهایی به حل معضل اسکان غیررسمی و گیر افتادن در چرخه اقدامات مقطعی و موضعی ایراد این نظریات است - ارائه طرح‌های توانمندسازی، بهسازی کیفیت محیط، نهادینه ساختن مؤلفه‌های امنیت، تأمین مسکن ارزان قیمت در کنار راهکارهای بنیادین حل مسئله توفیق دائمی این نظریات را تأیید می‌کند. 	<p>کارکرد گرایان شهرسازی مشارکتی اهمیت نهادینه شده نظریه توانمندسازی</p>	<p>نظریات هدف‌گر</p>

مهاجرت، شهرنشینی و اسکان غیر رسمی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران

سکونتگاه‌های خودرو^۱ که با واژگانی چون اسکان غیررسمی^۲، حاشیه‌نشینی^۳ و نظایر آن تعریف شده‌اند اگرچه ریشه در شهرنشینی ناقص و تحول نیافته حاصل سرمایه‌داری نفتی سال‌های دهه پنجاه دارد، در سال‌های اخیر و به‌ویژه در منطقه کلانشهر تهران به شدت روبه گسترش بوده است. به حدی که حدود ۳۰-۲۰ درصد از جمعیت کل استان تهران در این قبیل سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند و این نسبت با توجه به وضعیت ساختارها و روند رشد جمعیت و مهاجرت قطعاً افزایش چشمگیری نیز خواهد یافت^۴. مسائل متعدد در سطوح ملی، منطقه‌ای و شهری (به ترتیب کلان، میانه و فرد) زمینه‌ساز بروز معضلات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این سکونتگاه‌ها شده است که ناهنجاری‌های اجتماعی، رفتارهای خلاف قانون، ناامنی اجتماعی، بالا بودن آسیب‌پذیری اجتماعی و بالاخره پایین بودن درجه احساس امنیت تنها بخشی از معضلات جامعه‌شناختی در این فضاها می‌باشد که در صورت عدم توجه یا رهاسازی آن به مشکلات پیچیده‌تری بدل خواهند شد.

بررسی روند رشد جمعیت نشان می‌دهد که در طی سرشماری‌های ۸۵-۱۳۷۵ رشد جمعیت روستایی از رشد جمعیت شهری بیشتر بوده است؛ به نظر می‌رسد عواملی چون گرانی قیمت زمین و مسکن در نقاط شهری و فقدان سازوکارهای نظارتی مشخص در مناطق روستایی خصوصاً در امر ساخت و ساز در رشد مناطق روستایی و تبدیل آن به نقاط شهری مؤثر بوده است.

• در دوره سرشماری ۸۵-۱۳۷۵ بیش از ۷۰ نقطه روستایی چه به صورت انفرادی و چه با ادغام چند آبادی جمعاً ۲۶ نقطه شهری دیگر را به وجود آورده‌اند. تعداد آبادی‌های بالای ۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۸۵، ۵۲ آبادی است که بیشترین آنها متعلق به شهرستان‌های جنوبی و جنوب غربی تهران (اسلامشهر - رباط کریم و شهریار) می‌باشد و این امر نشان می‌دهد که در آینده نزدیک با تبدیل شدن این آبادی‌ها به شهر حداقل ۵۰ نقطه دیگر بر تعداد نقاط شهری افزوده خواهد شد.

1- Spontaneous Settlement

2- Informal settlement

3- Squatter Settlement

۴- تکامل نیافتن نظام سرمایه‌داری در ایران به دلیل موانع متعدد ساختاری، افزایش بهای نفت در دهه پنجاه و اصلاحات ارضی که خود حاصل پایان هم‌نشینی نظام سرمایه‌داری با نظام‌های کهن پیشین بود، تأثیرات دامنه‌داری برالگوی شهر و شهرنشینی در ایران داشته است.

● از کل جمعیت سرشماری شده حدود ۳۵ درصد در سن جوانی (۲۹-۱۵ ساله) قرار دارند؛ این میزان برای اسلامشهر و شهریار ۳۸ درصد، ورامین ۳۵ درصد و ساوجبلاغ ۳۴ درصد می‌باشد که فرصت‌ها و تهدیدهای خاص خود را از نظر اقتصادی و اجتماعی پیش روی برنامه‌ریزان قرار می‌دهد.

● سهم جمعیت کمتر از ۱۵ سال استان در سال ۱۳۸۵ به ۲۱/۴ درصد کاهش یافته و از این نظر ساختار جمعیت نزدیک به پایان دوران گذار جمعیتی را تحمیل می‌نماید.

● سهم جمعیت واقع در سنین کار و فعالیت با ۷۳/۶ درصد کل جمعیت استان بسیار بالا است و نشان دهنده بهترین موقعیت جمعیتی^۱ برای بهره‌مندی از آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی است؛ فرصتی که دیگر هرگز پیش نخواهد آمد و از سرشماری بعد (حوالی سال ۱۳۹۵) رو به کاهش خواهد رفت. از این رو می‌توان از این دوران به عنوان دوره طلایی جمعیت در تأمین نیروی انسانی لازم برای توسعه نام برد.

● بررسی رشد و پراکنش جمعیت منطقه کلانشهری تهران در دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که به رغم توفیق نسبی سیاست‌های تمرکززدایی از کلانشهر تهران، به علت بی‌توجهی به منطقه کلانشهری، تمرکز جمعیت بیشتر در مناطق پیرامونی و به شکلی نامناسب و نامتعادل بوده است. بررسی تطبیقی جمعیت سال ۱۳۸۵ با اهداف و پیش‌بینی‌های جمعیتی طرح مجموعه شهری، بیان‌کننده آن است که رشد جمعیت منطقه کلانشهری بیش از رشد جمعیت در نظر گرفته شده، در طرح مجموعه شهری است و جمعیت منطقه در صورت تداوم این روند در افق طرح (۱۴۰۵) به مراتب از جمعیت پیش‌بینی شده بیشتر خواهد شد.

● بررسی جمعیت حوزه‌های نه‌گانه در منطقه کلانشهری طی سال‌های مذکور نشان از آن دارد که در حوزه تهران به رغم اعمال سیاست‌های کنترلی، جمعیت آن از جمعیت در نظر گرفته شده برای سال ۱۳۸۵ بیشتر شده است و پیش‌بینی می‌گردد که در صورت تداوم روند کنونی، جمعیت آن در افق طرح از سقف جمعیتی مصوب بیشتر شود در میان حوزه‌های منطقه (به غیر از تهران) حوزه‌های کرج - شهریار و حوزه اسلامشهر - رباط کریم بیشترین جمعیت پذیری را داشته‌اند.

● ساختار کالبدی منطقه کلانشهری تهران طی دهه‌های گذشته از شکل تک‌مرکزی و متمرکز به شکل اقماری و غیر متمرکز تغییر یافته و در زمان حاضر رشد و پراکنش جمعیت

به عنوان عامل مهم شکل دهنده به ساختار فضایی موجب گردیده است که ساختار کالبدی منطقه به سمت چند مرکزی و منظومه‌ای در حال تغییر باشد. شایان ذکر است که شکل‌گیری ساختار مذکور با توسعه مراکز منطقه‌ای کرج و اسلامشهر و تقویت سایر حوزه‌ها از اهداف طرح مجموعه شهری نیز هست.

● یکی از سیاست‌های اصلی در کنترل رشد جمعیت منطقه، توجه به کنترل جمعیت مناطق و کانون‌های جمعیتی خارج از محدوده حوزه‌های شهری بوده است. بررسی‌های صورت گرفته بر روی کانون‌های مهم، نشان داد که رشد جمعیت حدود نیمی از این مناطق بالاتر از رشد طبیعی است و تداوم آن منشأ مشکلات جدیدی در سطوح منطقه خواهد شد.

● به طور کلی می‌توان گفت که رشد و پراکنش جمعیت در منطقه کلانشهری تهران نامناسب و نامتعادل است و اهداف و راهبردهای در نظر گرفته شده در طرح مجموعه شهری در اکثر نقاط سکونتگاهی محقق نشده است و پیش‌بینی می‌گردد که در افق طرح، جمعیت منطقه به مراتب بیشتر از جمعیت مصوب باشد. از عوامل تأثیرگذار در این خصوص می‌توان به مواردی چون جریان مهاجرت خصوصاً به مناطق پیرامون کلانشهر تهران، قیمت زمین و مسکن و تغییرات آن در سطح منطقه وضعیت ساختارهای مدیریتی و نظارتی موجود در سطح منطقه دوری و نزدیکی به شبکه‌های ارتباطی و شهر تهران، میزان دسترسی به امکانات و خدمات فرصت‌های شغلی جدید و نظایر این‌ها اشاره کرد.

● در حال حاضر روند نابسامان، پراکنده و بی‌برنامه توسعه، حاشیه جنوبی کلانشهر تهران را با مسائل و مشکلات متعددی همراه نموده است که عبارتند از:

● تشدید جدایی‌گزینی گروه‌های کم درآمد و تمرکز فقر در حاشیه پایتخت و پیامدهای منفی سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از آن؛ به‌عنوان مثال حدود ۶۰ درصد از خانوارهای ساکن در شهرستان‌های ری و اسلامشهر، گروه‌های کارگری بوده‌اند.

● کمبود شدید زیرساخت‌ها، خدمات، تأسیسات و تجهیزات شهری در اغلب کانون‌های جمعیتی مجموعه؛

● کاهش کارایی و بهره‌وری اقتصادی مجموعه به دلیل فقدان تنوع و پویایی اقتصادی و اجتماعی در کانون‌های جمعیتی و اتلاف منابع و نیروهای مولد؛ (به‌عنوان مثال ارزش افزوده سرانه کارکنان بخش صنعت منطقه از ۲/۵ برابر کشور در سال ۱۳۴۵ به ۰/۹۸ درصد در ۱۳۷۲ کاهش یافته است)؛

- نزول مستمر کیفیت محیط کالبدی و اجتماعی شهر تهران بر اثر فشار کانون‌های جمعیتی محروم پیرامون؛
- اتلاف، تخریب و از میان رفتن یکپارچگی اراضی مرغوب کشاورزی و باغات و گسترش آلودگی‌های زیست محیطی؛
- کاهش کارایی راه‌های اصلی و میزان آسایش و ایمنی کانون‌های جمعیتی حاشیه به دلیل استقرار بی رویه جمعیت و فعالیت در حاشیه راه‌ها و تداخل ترافیک عبوری و محلی؛
- افزایش نامعقول زمان و هزینه جابه‌جایی، به‌ویژه برای ساکنان کم‌درآمد کانون‌های حاشیه؛
- سختی و گرانی خدمات‌رسانی به کانون‌های جمعیتی از طریق نهادهای مسئول به دلیل پراکندگی استقرار جمعیت و فعالیت‌ها.
- عواملی همچون تداوم رشد جمعیت مناطق حاشیه‌نشین، تداوم مهاجرت به حاشیه جنوبی تهران به‌ویژه اسلامشهر - رباط کریم روند افزایشی هزینه‌های زندگی، تداوم تفاوت قیمت چشمگیر زمین و مسکن بین مرکز و حاشیه، بطئی بودن ماهیت اصلاحات اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی (با رویکرد توانمند سازی)، نهادینه نشدن امنیت جامعه‌محور، مسائل بیکاری و احساس تبعیض و... از جمله علل اصلی تداوم مسائل امنیت اجتماعی در این محدوده می‌باشد که در کنار سایر اقدامات، سازماندهی کلیه اقدامات سازمان‌های ذی‌ربط را با محتوای بهبود امنیت اجتماعی می‌طلبد و الزامی می‌سازد.
- عامل اصلی در شکل‌گیری اسکان غیررسمی و تداوم مسائل امنیتی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران (با تأکید بر حوزه اسلامشهر - رباط کریم) تداوم پدیده مهاجرت و نابرابری‌های فضایی - اقتصادی می‌باشد که شمای کلی فرایند تأثیرپذیری امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران در نمودار شماره ۱ تصویر شده است.

نمودار شماره ۱: فرایند تأثیرپذیری امنیت اجتماعی از پدیده جمعیت و مهاجرت در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران (با تأکید بر حوزه اسلامشهر)



تحلیل‌های راهبردی

۱- علل شکل‌گیری و جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه جنوبی کلانشهر تهران (اسلامشهر)

سکونتگاه‌های غیررسمی و محلات فقیرنشین، بُعد کالبدی فقر به شمار می‌روند که ناشی از نابرابری‌های کلان اقتصادی است و از سیاستگذاری و راهبردهای اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی سرچشمه دارد؛ بنابراین، فقر، توان تأمین مسکن و ویژگی‌های مسکن افراد، و بالاخره جدایی‌گزینی اجتماعی- فضایی نقش بسیار اساسی در تشکیل سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه جنوبی کلانشهر تهران دارد. همواره گروهی از مردم و ساکنان شهرها که در فقر (مطلق) به سر می‌برند، توان تأمین هیچ نوع مسکنی را ندارند یا دست کم توان تأمین مناسب را از طریق روند رسمی ندارند. نگاهی به آمارهای ملی نشان می‌دهد که بخش درخور توجهی از جمعیت شهرها در فقر مطلق به سر می‌برند که توان تهیه مسکن حداقل را نیز ندارند.

علاوه بر عدم تعادل در سطح ملی، نابرابری توسعه در داخل استان و منطقه نیز یک عامل مؤثر در این زمینه به شمار می‌رود. تحولات ساختاری در زمینه اقتصادی- اجتماعی در سطح ملی در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰، تأثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای در مهاجرت‌های شهری و روستایی در سطح استان داشته و در طی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بیشترین مهاجران- با توجه به سطح پایین درآمد آنها، به طور گسترده به حوزه اسلامشهر و رباط کریم وارد شدند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که با توجه به مؤلفه‌های مختلف که بیشتر در عوامل کلان و ساختاری ریشه دارند، در سطح شهر تهران نیز بخش چشم‌گیری از شهرنشینان توان تهیه مسکن در شرایط موجود را از راه‌های رسمی ندارند. در چنین شرایطی افزایش تعداد نقاط شهری از ۲۵ نقطه به حدود ۵۲ نقطه در فاصله ده سال (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵) امری طبیعی محسوب می‌شود که بازتاب‌گریزناپذیر شرایط ساختاری ملی- منطقه‌ای و محلی است.

علاوه بر این، ساختار مدیریت کلان و چگونگی تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن در بخش‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری مسکن، تأثیر عمده‌ای در ناکامی دولت در تأمین مسکن مناسب برای تمام گروه‌های اجتماعی داشته است. در این باره تأثیر ناکافی بودن و جامعیت نداشتن قوانین و مقررات و ساختار سازمانی نامطلوب نیز بسیار در خور توجه می‌باشد. همچنین درباره علل میانه‌پیدایش پدیده اسکان غیررسمی در حوزه اسلامشهر باید

به نحوه توزیع مراکز صنعتی، شبکه‌های حمل و نقل، ماهیت صنایع، ارزان بودن زمین در حواشی و وابستگی‌های قومی - زبانی اشاره کرد. در سطح خرد، قوانین و مقررات شهری محدود کننده، مؤثرترین عامل در گرایش فقرا به مسکن غیررسمی بوده است.

در مقاطعی از دوران رشد مجموعه شهری تهران که نظارت رسمی به حداقل رسیده است، وجود باندهای مرتبط با نهادها و گروه‌های ذی‌نفع، روند و نحوه شکل‌گیری این سکونتگاه‌ها را تعیین کرده و در واقع آن را تسهیل کرده است. در جدول شماره ۲ سطوح تحلیل سه گانه در پیدایش و شکل‌گیری اسکان غیررسمی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران و حوزه اسلامشهر با رویکرد امنیت اجتماعی تهیه و ارائه شده است.

Archive of SID

جدول شماره ۲ سطوح تحلیل در پیدایش و شکل گیری سکونت گاه‌های غیررسمی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران با تأکید بر اسلامشهر (با رویکرد امنیت اجتماعی)

ردیف	سطوح تحلیل	ملاحظات
۱	سطوح کلان (محل ساختاری جامعه)	<p>موجودیت نظام سرمایه داری (ماهیت مرکز-پیرامون) - پوشش نظام و ارتباط سرمایه - ساز و کار تبعیض آمیز تقویر - توزیع نامتوازن منابع قدرت، کثرت و درآمد - ربحان فضایی برگزیده (شهرهای بزرگ و محلات ترومبند) - نحوه مدیریت و تخصیص منابع شهری - وجود انواع رانت در ساختارهای سیاسی و اقتصادی - کم رشدی و توسعه پایین ملی - عدم افزایش ظرفیت و توانایی ذخیره زامی منابع - معضلات جهانی شدن سرمایه و فرهنگ - رویکرد به معنای رابطه ایکی عدالت توزیعی در برنامه های ساختاری - رواج برخی نظریات ناوراد در نظام سیاستگذاری شهری و توسعه و استیفا با نظریه فرهنگ فقر - نبود سازوکار اجتماعی و اقتصادی در راستای توانمندسازی و مشارکت مردم - عدم اتکال به فسادسازی حوزه عمومی - رویکرد تیرکز در برنامه های توسعه شهری و منطقه ای - پدیدارینه شدن رونکرد آمادگی در امر مدیریت قلمها و برنامه های توسعه در سطح ملی، منطقه ای و شهری - معضلات جغرافیایی و زیست محیطی مؤثر در پیدایش و تکامل نظام استقرار جمعیت و فعالیت - بومی شدن الگوهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در جامعه (توسعه روزافز)</p>
۲	سطوح میانه (ماهیت نظام شهرنشینی و مهاجرت)	<p>جذابیه های اشتغال و زندگی شهری در منطقه شهری تهران - نابرابری های منطقه ای - رشد شدید جمعیت در کلیه مراکز جمعیتی استان - وجود مهاجرت های بی رویه - پیشی گرفتن شهرنشینی بر شهرسازی - نبود سیستم مدیریتی منسجم برای هدایت امکان جمعیت و کنترل ساخت و ساز در سطح استان - ارائه مسا و فقر مناطق روستایی - عدم تمهیدات لازم برای نیازهای پایه - نبود رونکرد، برنامه و سیاست های جامع یکر در مدیریت و نظام برنامه ریزی کشور - نبود بستر مناسب برای تغییر شکل های خودشی بر دومی در مناطق محروم شهری - عدم توجه برنامه های توسعه شهری به بوفله های اقتصادی-اجتماعی - عدم فعالیت برنامه های توانمند سازی سرمایه های مالی، کالبدی و اجتماعی محلات شهری - جایگت تکرش فنی سازوکار بر توسعه و تحولت شهری - ضعف جامع تگری در رامکرد تیرکز زبانی از تهران - حضور ضعیف مردم در تصمیم سازی و تصمیم گیری امور محله و شهر - تأکید برنامه بر ارائه کالبدی به جای کیفیت اجتماعی و اقتصادی - جهانی روند تیرده طرح و سیاستگذاری ها در مدیریت اجرایی آن ها - تأکید یکطرفه بر تیرکز زبانی از تهران (نیو طرح های آبیایی قطعی در این خصوص)</p>
۳	سطوح خرد (ماهیت برنامه ریزی مسکن و طرح های توسعه شهری و موفقیت قطعی - مکانی)	<p>ساختی کارکرد و فرایند دومی اجتماع در زمینه وضع اقتصادی، موفقیت اجتماعی، ثروت، اصل اشتغال و ... و گرایش به جهانی گرایی، اکوپولزگی - سطح متفاوت در آسب افراد - پایین بودن سطح مهارت مهاجران - نوع مالکیت و تصرف زمین و مسکن (امکان تصرف و ساخت غیر رسمی) - روابط و شهرسازی اجبرایند زبانی برنامه های مسکن - برنامه های تأمین مسکن (رونکرد حذف قرضای مسکن) - صرفه های حاشیه نشینی - اشتغالزایی منابع وابسته مستقر شده در منطقه - ماهیت قوانین حاکم بر زمین - سیستم های واگذاری مسکن - سیاست های مدیریت شهری (بخشی و تالیاری) - ضعف برنامه های بخشی از جهت جامع تگری - روشن نبودن گروه هدف در برنامه های مسکن - ماهیت منطقه آمیزی کاروری ازامی - ماهیت قانونی و پیچیدگی چرخه اداری اخذ مدارک رسمی زمین و مسکن - وجود پدیده های اسناد و سرداگر زمین - فقدان بهانه سازی برای تغییر و توسعه منابع اعتباری کم درآمد - مقررات محدود کننده برنامه های - اعمال استاندارد های غیر واقع بینانه در طرح های شهری - بی توجهی به سرمایه گذاری مسکنی ارزان قیمت در مناطق حاشیه نشینی و شهرهای جدید - وجود مراکز روستایی متعدد برای جذب مهاجران و طی روند شهری شدن - واقع شدن در مسیر راههای دسترسی مناسب - تیرزدهی به شهر تهران - وجود ازامی وسیع با امکان متلاک و ساخت ارزان - وجود فرصت های بالای اشتغال و کارایی - مشکلات حصول مسکن در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران - تیرزدهی کاربهای استقرار جمعیت و فعالیت به یکدیگر.</p>

۲- روستایی شدن شهر

مهاجرت به عنوان ریشه مشکلات شهری و از جمله پدیده بدمسکنی مورد توجه بوده

است؛ به‌ویژه در تبیین علل اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی همواره مهاجرت بدون توجه به ابعاد و ریشه‌ها در صدر علل قرار داشته است، بدون توجه به این که تصمیم به مهاجرت، پاسخ منطقی به شرایط اقتصادی است. یکی از آثار نامطلوب مهاجرت «روستایی شدن شهر» است (عظیمی ۱۳۸۴: ۱۲۸). این پدیده با مترکم شدن جمعیت پراکنده روستایی در درون و پیرامون شهرها، موجب رسوخ فرهنگ، رفتار، معماری و دیگر ویژگی‌های روستایی در شهر می‌شود. البته میزان گرایش به مشخصه‌های روستایی در سطح محلات تا حد زیادی با سطح زندگی مردم و شرایط اقتصادی محل ارتباط دارد. چنین امری در برخی از محلات اسلامشهر به وضوح قابل تشخیص است. در سکونتگاه میان‌آباد، سالور و ضیاء‌آباد، معماری، اقتصاد، فرهنگ و روابط مردم تا حد بسیاری تحت تأثیر ویژگی‌های روستای مبدأ مهاجران قرار دارد و روابط چهره به چهره زمان زیادی از اوقات آنها را پر می‌کند. آلودگی‌های محیط، افزایش بعد خانوار، کم‌سواد و تقویت مؤلفه‌های تهدید کننده نظم و امنیت اجتماعی از پیامدهای روستایی شدن این محلات می‌باشند. با توجه به وسعت محلات فقیرنشین اسلامشهر و حجم بالای جمعیت آنها، اثر در خور توجه این محلات بر کل شهر روشن است و ناامنی اجتماعی، کمبود زیرساخت‌ها نسبت به رشد جمعیت، پایین آمدن فرصت‌های اشتغال، بیکاری و آلودگی‌های محیط زیست، تنها بخشی از تبعات آن می‌باشد.

در مجموع این مسائل از مشکلات فراروی مدیریت شهری در اداره مطلوب امور شهر و ایجاد پیوند و انسجام اجتماعی، اقتصادی و کالبدی، میان این محلات و کل شهر است.

۳- احساس انزوا و نگاه منفی مردم

یکی از نکات عمده و در خور توجه در سطح محلات مورد بررسی، به‌ویژه در محله میان‌آباد، احساس انزوا و حاشیه بودن است که در میان عامه ساکنان ریشه دوانیده است. این حس با توجه به تحولات کالبدی، اجتماعی و اقتصادی سایر محلات و افزایش شکاف در چند دهه اخیر گسترش یافته است.

این زمینه باعث شده تا نسل دوم، که شناخت دقیقی از شرایط زندگی نسل پیش (در مبدأ مهاجرت) ندارند، با انتظاراتی متفاوت در پی یافتن راه‌های برون‌رفت از این شرایط باشند. با توجه به مهیا نبودن شرایط رسمی و قانونی ارتقاء و محدودیت‌های اساسی در زمینه‌های اشتغال متوسل شدن آنان به راه‌های غیررسمی، بزحکاری، اشتغال به قاچاق مواد مخدر و...

امری است که زمینه تقلیل شاخص‌های احساس امنیت را رقم می‌زند (مهندسین مشاور آبان، ۱۳۸۴: ۵۱).

۴- بافت ناکارآمد غیررسمی

در موارد متعدد با ارتقای ارزش اقتصادی محل و بالا بودن متوسط درآمد ساکنان و ورود ارزش افزوده ناشی از فعالیت صنعتی یا کاربری‌های عمده شهری، زمینه‌های بهبود و اصلاح خودانگیخته مسکن فراهم شده است؛ اما بخش عمده‌ای از ساکنان توان اصلاح محیط مسکونی خود را ندارند و از منابع مالی رسمی نیز برخوردار نیستند. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که در سال‌های آینده مسئله فرسودگی و ناکارآمدی این بافت‌ها از مسائل و مشکلات مدیریت شهری و چالشی عمده برای امنیت سکونت باشد. لذا این مسئله بدون شک فصل مشترک بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی خواهد بود (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵: ۶۷ - ۲۱ جلد دوم).

۵- رشد روستاها و نبود برنامه و راهبرد

چنان که اشاره شد در سه شهرستان اسلامشهر، شهریار و رباط کریم ۲۰ روستای بیش از ۵۰۰۰ نفر جمعیت وجود دارد که به سرعت در مسیر جذب جمعیت و شهری شدن قرار گرفته‌اند. در واقع با توجه به ساختار روستایی و شرایط مالکیت، این سکونتگاه‌ها یکی از کانون‌های رشد اسکان غیررسمی‌اند. اگرچه این سکونتگاه‌ها در طرح مجموعه شهری تهران و طرح‌های شهرستان، همچون دیگر بخش‌های شهر دیده شده‌اند، اما عملاً مدیریت شهری برای این محلات هیچ راهبرد مشخصی ندارد. این امر باعث می‌شود که چگونگی تحول و گسترش روستا بدون توجه به منافع جمعی و بر اساس مصالح افراد، ترسیم گردد. بنابراین ضروری است که برنامه مدیریت شهری برای این محلات در قالب طرح‌های موضعی با رویکرد امنیتی و با محوریت کالبدی، فرهنگی و اقتصادی تدوین گردد.

۶- چشم‌انداز تمرکز، نابرابری درون منطقه‌ای، مهاجرت و امنیت اجتماعی

نقش رشد جمعیت، تداوم مهاجرت و تشدید حاشیه‌شینی و نظام تمرکز در تعیین چشم‌انداز بلندمدت امنیت اجتماعی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران (با تأکید بر حوزه اسلامشهر) تأثیر

بسیار اساسی دارد. آینده‌نگری مهاجرت به تهران - به‌عنوان نماد عینی نابرابری منطقه‌ای و تداوم روند تمرکزگرایی - در سه سطح تحلیل ارائه می‌شود:

● از دیدگاه سطح کلان نظریه‌ها بنا به دلایلی نظیر الگوی توسعه برون‌زا و دوسطحی بودن نظام توسعه فضایی کشور، تخصیص نامتوازن منابع بین کانون‌های شهری و روستایی، قطبی بودن فرایند توسعه، تأثیرات اقتصادی - اجتماعی جهانی شدن در الگوهای توسعه ملی، منطقه‌ای و شهری، مهاجرت به شکل کنونی برای مدت مدیدی ادامه خواهد یافت (عظیمی ۱۳۸۱: ۲۱-۱۶)

● از دیدگاه سطح خرد، مهاجرت تصمیمی برای تضمین نگه داشت و امنیت خانواده است. از این رو ساکنان مناطق روستایی بنا بر ضرورت‌های خانوادگی و انگیزه‌هایی فراتر از منفعت‌طلبی کوتاه‌مدت فردی، مهاجرت خواهند کرد. (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۸۴: ۳۸)

● از دیدگاه سطح میانه، مسئله «محرومیت نسبی» به موازت «ارزش‌ها - انتظارات» از عوامل مؤثر می‌باشند. وجود نابرابری در آمدی و رفاه، گرایش به مهاجرت نزد فقیرترین افراد، تفاوت دستمزد، گریز از ریسک درآمدی خانوار، وضعیت عینی و واقعی حاکم بر مناطق پیرامون از یک طرف و انتظارات یا احتمالات ذهنی حاکم بر قشر وسیعی از افراد برای حصول به وضعیت رفاه و اطمینان از طرف دیگر، از جمله مؤلفه‌های مؤثر در تداوم مهاجرت به کانون‌های عمده، بخصوص تهران خواهد بود. (صرافی ۱۳۸۱: ۱۳-۱۲)

پاسخ فرضیه‌ها

پاسخ فرضیه یکم:

تکوین و گسترش ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فضایی که به صورت جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی در شهرستان اسلامشهر بروز و جلوه کرده است از نظام اجتماعی - اقتصادی کشور، کلانشهر تهران و شهرستان اسلامشهر برخاسته که با نظریه داروینسم اجتماعی در دوران پهلوی قابل تبیین است.

در مورد نظام نابرابر ساز اقتصادی - اجتماعی ایران از گذشته دور تاکنون نشان داده شد که چگونه ساختار تمرکزگرا، بدون عنایت جدی به توازن فضایی - اقتصادی (آمایش سرزمین) موانع توزیع متناسب منابع و فرصت‌های اشتغال و توسعه و تحول را بین قشرها و مناطق

مختلف به وجود آورده که همین امر سرآغازی برای جدایی‌گزینی طبقات اجتماعی در محلات متضاد شهر می‌شود؛ بنابراین، مهم‌ترین متغیر مستقلی که در پیدایش اسلامشهر و سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه جنوبی کلانشهر تهران و همچنین پیدایش محلات ناهمگون و نامتوازن شهر اسلامشهر دخیل بوده است، نظام اجتماعی-اقتصادی ناشی از بسط روابط سرمایه‌داری پیش از انقلاب اسلامی و تداوم آن می‌باشد.

نهادینه نشدن روابط نظام سرمایه‌داری در ایران به دلیل موانع ساختاری، افزایش بهای نفت در دهه ۴۰ و ۵۰ و اصلاحات ارضی، استقرار صنایع و کارخانجات در محدوده بلافصل شهرها و عمدتاً کلانشهرها و رواج روابط سرمایه‌داری سوداگر و وابسته از یک سو و بی‌نیاز شدن شهرها از مازاد تولید روستاها و قطع ارتباط تاریخی شهرها با روستاها و تقویت نقش و جایگاه شهرها و تخریب بنیان‌های زیستی و معیشتی روستاییان که از اصلاحات ارضی ناشی بود از سوی دیگر، نامعادلاتی را شکل داد که حاصل آن مهاجرت گسترده روستاییان به شهرهایی بود که بنیان‌های تولیدی‌شان به درجه‌ای از کمال نرسیده بود که قدرت جذب انبوه مهاجران را داشته باشد. که در سال‌های دهه پنجاه و شصت با عناوینی چون حاشیه‌نشینی، آلونک‌نشینی و زاغه‌نشینی شناخته شدند. این شکل اسکان از دهه پنجاه به بعد در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران به لحاظ سیاست تمرکززدایی از تهران (در نبود نگرش راهبردی - منطقه‌ای و آمایشی به سکونتگاه‌های پیرامون تهران) توسعه و گسترش صنایع با اشتغال‌زایی بالا، گسترش فعالیت‌های ساخت و ساز، ماهیت برنامه‌های توسعه شهری، زمین و مسکن مبتنی بر شهروندزدایی و فراموشی فقرا، سهولت تصرف زمین و ارزان بودن هزینه‌های ساخت در حاشیه، ابعاد بسیار وسیعی پیدا می‌کند.

در این میان حوزه شهری اسلامشهر - رباط کریم (حاشیه‌نشین‌های مسیر جاده ساوه) بهترین شرایط را برای جذب مهاجران تازه‌وارد و فقرای شهری داشت که توانست در عرض چند دهه از دهه ۵۰ تا کنون به عنوان یکی از بزرگترین مناطق اسکان غیررسمی کشور شناخته شود.

پاسخ فرضیه دوم:

ساختارهای فضا، جامعه و امنیت اجتماعی کنونی در حاشیه جنوبی کلانشهر تهران، دنباله ساختارهای پیدا و پنهان گذشته و تداوم فقدان مدیریت آمایش و در نتیجه برون‌رفت

راه‌حل‌های مدیریتی و سامان‌بخشی - به‌ویژه در مناطق مبدأ: مهاجرت‌ها به شهرستان اسلامشهر - از حیثه شهرستان اسلامشهر است.

برخی از محورهای اصلی تحولات نظام شهرنشینی، مهاجرت و اسکان غیررسمی در ایران و تأثیرات آن در زمینه امنیت اجتماعی، شامل موارد زیر می‌باشد:

- نمودار تمرکز یا عدم تمرکز اداره امور در هر کشور، نظام تصمیم‌گیری و اجرای امور عمومی در جامعه را نشان می‌دهد که می‌تواند در مرکز کشور و سطوح مرکزی دولت متمرکز باشد یا از طریق توزیع جغرافیایی میان مقامات یا سازمان‌های محلی، نظامی غیرمتمرکز داشته باشد.

حاکمیت رویکرد تمرکزگرا در ساختار اقتصاد سیاسی و تصمیم‌گیری، در عرصه‌های توزیع جمعیت، شبکه ارتباطی، اندازه شهرها، توزیع مراکز فعالیت، میزان تحقق عدالت در فضا، میزان دسترسی به فرصت‌های اشتغال، توزیع ثروت و منابع بین گروه‌های اجتماعی و مناطق مختلف، انباشت سرمایه، میزان شکل‌گیری سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی و... تأثیرات قطعی گذاشته است که تجلی عینی آن شکل‌گیری نظامی از سلسله مراتب مرکز- پیرامون از فضای ملی گرفته تا سطح محلات شهری می‌باشد.

- در تداوم رویکرد تمرکزگرایی، مهم‌ترین تهدید برای رسیدن به محیط مطلوب، رشد سریع شهرنشینی و اسکان غیررسمی خواهد بود که در آینده از نظر امنیتی - اجتماعی می‌تواند برای کشور بزرگترین چالش محسوب شود.

- روند شهرنشینی شتابان معاصر ایران و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی متأثر از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک قرن اخیر در پیوند با شرایط جهان سرمایه‌داری قابل تفسیر است. در این میان جایگاه ایران در تقسیم کار بین‌المللی و به‌عنوان تأمین‌کننده انرژی تأثیر بسیار تعیین‌کننده‌ای داشته است. اگرچه در این روند ساز و کارهای سیاسی - اقتصادی تمرکز جمعیت و امکانات در برخی از نقاط به وجود آمد سازوکارهای تأمین نیازهای جمعیت و دسترسی عادلانه در این فضاها (عدالت در فضا) شکل نگرفت. بنابراین کاستی‌های برنامه‌ریزی بخشی، نارسایی‌های برنامه‌های مسکن، حاکمیت نگرش جامع و عقلانی بر طرح‌های توسعه منطقه‌ای و شهری، رویکرد منطقه‌ای کردن برنامه‌های ملی، خروج ارزش افزوده مناطق در نبود مدیریتی جامع‌نگر به سود مرکز (الگوی مرکز - پیرامون)، حاکمیت سیاستگذاری منطقه‌ای به جای برنامه‌ریزی منطقه‌ای در برنامه‌های مصوب پنج‌ساله،

اجرای قطب رشد با ابزار بخشی به جای توسعه متوازن فضای ملی و برقرار نشدن پیوند (با مدیریتی یکپارچه بر فضا) با سطوح بالاتر و پائین تر، صنعت و شهرمحور بودن برنامه‌ها به جای مردممحور بودن، (اقتصاد و تولیدمحوری به جای بوم‌شناسی - مردم محوری) و فقدان مدیریت آمایش سرزمین از علل اصلی سازماندهی فضا و جامعه و خروجی‌های این تعامل در عرصه‌های متعدد (نظیر امنیت اجتماعی) در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای (تهران) و ناحیه‌ای (شهرستان و اسلامشهر) می‌باشد.

پاسخ فرضیه سوم:

بهبود ریشه‌ای مبانی و شاخص‌های امنیت اجتماعی از منظر رویکرد راهبردی - ساختاری در شهرستان اسلامشهر تنها با مدیریت یکپارچه بر مبنای راهبردهای قانون اساسی، سیاست‌های نظام و قوانین ذیربط در سطوح مختلف تقسیمات کشوری و تبدیل آنها به برنامه‌های اثربخش اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و فضایی امکان‌پذیر است. بنابراین، بحث ارتقای شاخص‌های امنیت اجتماعی در مناطق حاشیه‌نشین تهران و اسلامشهر از رهگذر رویکرد مذکور منوط به یکپارچگی در مدیریت، هماهنگی و تحقق مدیریت واحد می‌باشد.

الگوی امنیت به جای طراحی و مهندسی درون قدرت و عرضه به شهروندان (رویکرد انطباقی) بایستی با کارگزاری کلیه سازمان‌های دولتی از درون جامعه تولید، مورد حمایت و در دستور کار دولت (سازمان‌های متولی اصلی امنیت) قرار گیرد. با این رویکرد بحث برقراری امنیت پایدار اجتماعی منوط به این است که اصل پیشگیری و ممانعت از ایجاد نابرابری اقتصادی - اجتماعی و نارضایتی به عنوان یک اصل محوری در کلیه برنامه‌های سازمان‌های مختلف شهری لحاظ و به مورد اجرا گذاشته شود، فراموش شدن این مهم در برنامه‌های سازمان‌های مختلف سبب شده که در اغلب موارد اقدامات بخشی سازمان‌ها خود به تولید ناامنی و نارضایتی منجر شود.

تجدید سازماندهی مدیریت امنیت اجتماعی با توجه به ماهیت جامعه، فضا، امنیت و نیز ضرورت‌ها و اصول فوق‌الذکر ضروری است چرا که خروجی عملکرد جامعه، فضا و سازمان‌های دولتی، مردم‌نهاد و بخش خصوصی در مجموع به تولید امنیت منجر می‌شود که همان مقوله دموکراتیک شدن مدیریت است که به خلاقیت و نظارت و مشارکت مردم نیاز دارد و سبب تقویت پیوستگی مردم با جامعه و مدیریت امنیت اجتماعی می‌شود. برنامه‌ریزی

از بالا، و رویکرد به امنیت پلیس محور، مؤلفه‌های احساس امنیت را به شدت تقلیل داده است؛ بنابراین، تمرکززدایی از امور، تعیین و تبیین وظایف سازمان‌ها در تولید امنیت و ایجاد مشارکت مردمی از جمله محورهای اصلی مدیریت یکپارچه امنیت اجتماعی در چهارچوب نگرش راهبردی - ساختاری می‌باشد.

پلیس به عنوان محور اصلی مدیریت یکپارچه امنیت اجتماعی به مشارکت عمومی، مدنی و سازمانی نیازمند است، لذا در صورت فقدان این مشارکت سه گانه، پلیس در برخورد با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی فراینده ناگزیر از انتخاب یکی از دو شیوه ایجابی نرم‌افزاری یا شیوه سلبی و سخت‌افزاری است که انتخاب شیوه اول، پلیس را دچار بحران ناکارآمدی و انتخاب شیوه دوم، پلیس را با توجه به راهبرد جامعه‌محوری آن، دچار بحران مشروعیت می‌کند.

رویکرد راهبردی - ساختاری مدیریت امنیت اجتماعی، مدیریتی جمعی است که مستلزم مشارکت فعال و همه‌جانبه سازمان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) و مردم در عرصه فرهنگ عمومی و سایر عرصه‌های ذیربط است؛ بنابراین، بایستی از سویی با توسعه فرهنگی به اصلاح، تعدیل و تغییر نگرش نخبگان سیاسی و ادراک عمومی پرداخت تا کنترل و کاهش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی را صرفاً وظیفه پلیس تلقی نکنند و همزمان به توسعه و جذب مشارکت سه گانه مورد نظر با پلیس اقدام نمود و از سوی دیگر نباید به افزایش سطح انتظارات عمومی از پلیس بدون امکانات و ملزومات ضروری دامن زد.

راهبردها و پیشنهادات

۱- راهبرد ساماندهی مهاجرت و توازن منطقه‌ای

با توجه به تحلیل‌های ارائه شده در کنار ضرورت اصلاحات ساختاری در جامعه، رفع یا تقلیل چالش‌ها و معضلات متعدد در عرصه‌های امنیت اجتماعی، اقتصادی و فضایی - کالبدی در تهران و حاشیه جنوبی آن به ویژه در حوزه اسلامشهر - رباط کریم به ساماندهی مهاجرت با رویکردی یکپارچه و راهبردی در سازمان‌ها و مدیریت‌های ذیربط منوط می‌باشد. برخی از اصول مورد نظر این راهبرد به شرح زیر می‌باشد:

- اصل اول تمامی برنامه‌ها عبارت است از توسعه و افزایش رفاه و آسایش «مردم» که ممکن است با تلاش و هزینه کمتر و سازگار با ظرفیت‌های طبیعی در مکان دیگری به دست

آید؛ بنابراین، موضوع مهم هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و توجه به آبادی مکان‌ها و عدالت منطقه‌ای به عنوان بستری برای عدالت اجتماعی و به تبع آن جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه و قطبی‌شدن توسعه می‌باشد.

● کنترل مستقیم جمعیت و جلوگیری از مهاجرت به علت مابینت با اصل آزادی انسان و مغایرت با اصول قانون اساسی و تجربیات ناموفق سایر کشورها در مورد مهار مهاجرت، کارایی نداشته، لذا باید به سیاست‌های جمعیتی هدایت‌شونده و غیرمستقیم روی آورد. (کلاته ۱۳۷۸: ۷۲)

● توسعه متوازن فضای ملی، توزیع متعادل جمعیت را در پی خواهد داشت. در این زمینه باید به بازتولید ثروت و منابع و امکانات به صورت عادلانه در مناطق مختلف کشور توجه شود. (صالحی، مازیار، ۱۳۸۱، ص ۱۷۸)

● افزایش تولید ناخالص داخلی و تعداد کارگاه‌ها از عوامل اصلی افزایش مهاجرت می‌باشد چرا که افزایش این دو متغیر با افزایش نیروی کار و خلق فرصت‌های شغلی جدید مساوی است.

لذا تحقق عملیاتی این راهبردها مشتمل به دو گروه سیاستگذاری خواهد بود شامل:
الف) سیاست‌ها و برنامه‌های مبتنی بر مبدأ (با رویکرد توسعه و عمران متوازن فضای ملی، استان‌ها و شهرستان‌ها)

ب) سیاست‌ها و برنامه‌های مبتنی بر مقصد (با رویکرد تقلیل فشارهای تمرکزگرایی و مهاجرت به تهران و ایجاد و تقویت مؤلفه‌های روند مهاجرت از تهران «مهاجرت معکوس» به شهرستان‌ها.

۲- راهبرد ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی

براساس تحلیل اثرگذاری مؤلفه‌های سطوح سه گانه کلان، میانه و خرد در پیدایش اسکان غیررسمی و با توجه به راهبردها و سیاست‌های تصریح شده در سند توانمندسازی ملی کشور نسبت به تعیین راهبردهای بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه جنوبی کلان‌شهر تهران با محوریت اسلامشهر به شرح جدول شماره ۳ اقدام شده است.

۳- اهداف کاهش فقر و توانمندسازی و برنامه‌های زیربنایی مرتبط با آن در

اسلامشهر

به منظور استخراج و ارائه راهبردهای مدیریت و مشارکت مردمی در برنامه‌های بهبود امنیت اجتماعی و همچنین طرح و برنامه‌های زیربنایی مؤثر در تقویت مؤلفه‌های رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی و کالبدی با رویکرد اثربخشی در امنیت اجتماعی نسبت به جمع‌بندی و تحلیل کلیه بررسی‌های انجام شده در مرحله وضع موجود اقدام و نتایج آن در قالب جدول شماره ۴ ارائه و بر این اساس فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردهای مختلف در دو زمینه اصلی طرح‌ها و برنامه‌های زیربنایی مرتبط با بحث امنیت اجتماعی در سطح شهرستان اسلامشهر و همچنین راهبردهای مدیریت و مشارکت در برنامه‌های ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و کنترل و بهبود امنیت اجتماعی یکپارچه مشخص شده است.

۴- راهبرد تولید امنیت و برنامه‌های کلان، میانه و خرد مرتبط با آن

بر اساس کلیه مطالعات به عمل آمده و با پذیرش ضرورت کاربست الگوی تمرکززدایی، اجرای اصلاحات ساختاری، اجتماع محور ساختن امنیت اجتماعی، نهادینه ساختن تولید امنیت در اجزای مختلف جامعه در سطوح مختلف، ایجاد برابری و توازن منطقه‌ای و برقراری عدالت اجتماعی و رفع فقر و تبعیض (برانداختن جدایی‌گزینی اجتماعی - فضایی) نسبت به طراحی الگوی فراگیر سطوح تحلیل کلان، میانه و خرد برای تحقق امنیت جامعه محور (بازتولید امنیت اجتماعی) صورت گرفته است. (نمودار شماره ۲).

جدول شماره ۳: راهبردهای بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی حاشیه جنوبی کلانشهر تهران با تأکید بر اسلامشهر (با رویکرد امنیت اجتماعی)

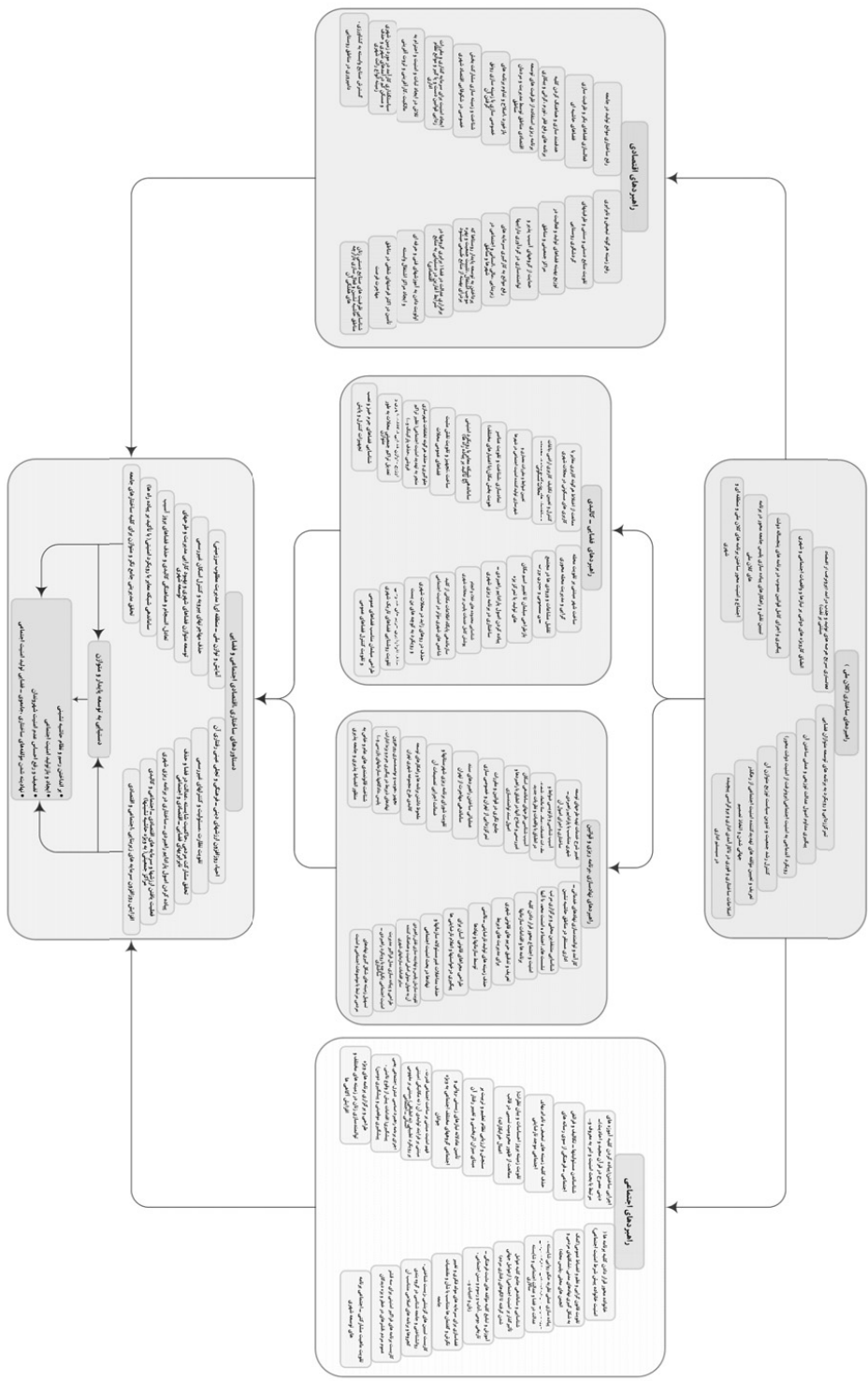
توضیحات	راهبردهای	ردیف
<p>بسیار کوتاه مدت و بسیار بلندمدت راهبردهای</p> <p>آمایش سرزمین برنامه ریزی منطقه ای از یک سو و مدارک و مستند های توسعه عادلانه اجتماعی و اقتصادی و دسترسی آسان شهری در کل سرزمین و افزایش سطح رفاه از سوی دیگر - ارتقا، سطح این سکونتگاه ها و ساکنان آن ها - تقویت بنیان های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با توجه به تکلیف ابانده ریزگی ساکنان - برنامه ریزی رزم خودروزی - کمی بودجه بردن ... حاشیه پادان و بر جای آن نشان دادن توسعه هماهنگ، هموار پادان و آسانایی - پذیرش کم در میان آنها در زمان خمینی از جامعه (به ویژه در مسکن و مسائل شهری) - ایجاد بنیانی که در آن نیازهای ویژه کابندی کم در آمد های پادان برای زمین - تاکنید بر محبت گذار با ارباب های تدریجی رعیت پدید آمدن به حاشیه نشینی - توجه ویژه به کم در آمد ها در طرح های آماده سازی زمین از سوی پیمانکاران پراکنه برای زمین - ساکنین امنیت و عدالت اجتماعی - کاهش نابرابری اقتصادی و فرهنگی در بین اقشار مختلف و منابع مختلف - توجه به اصل و اصل زمین بر زمین و مساحت های غیر مفید شده در سند مهاجرت معلومی - باز تعریف و عملیاتی نمودن ابزار ترقی توسعه پایدار در روزگاری تیز - تلاش در برگزاری نظام توزیع عادلانه در تصمیم سازی و حذف تبعیض ها و رانت ها - طراحی ساختار مدیریتی خاص حاشیه نشین های حوزه جاده ساوه - نشان نگارش سیستمی به تیرگز و رزاقی ملی و مجموعه شهری تهران (لامبختی ملی - منطقه ای)</p>	<p>بلند مدت</p> <p>۱</p>	
<p>کمک به استقلال ساکنان و سکونتگاه - تقویت سازی، بهداشتی و توانمند سازی ساکنان و فراگیر (در نظر داشتن کلیه وجه زندگی ساکنان) - توجه طرح های ساماندهی و بهداشتی و امنیت زندگی در این محلات، متناسب با شرایط و روحیه خاص مردم آن ها و با توجه ای فراگیرگی و فراگیری و در همه موارد با ساماندهی مشکل های مردمی خود-جوش - به کار گیری توانمندی ها و ظرفیت های نهفته مردم و ساکنان - استفاده از کمک ها و وام های پیماندهای ملی - جیبی پیش بینی و تعبیر راه های مناسب و ساخت واحد های مسکونی ارزان قیمت در تدارک شیوه های معمار و بازسازی از گسترش این شیوه اسکان و نسی توسعه در این سکونتگاه ها - ارائه آموزش های گوناگون از جمله آموزش اولیه ساختمان سازی - ایجاد نظامی که در آن نیازهای ویژه کابندی کم در آمدهای مهاجر در حد توان آنها تأمین شود - تکلیف زمین به قطعات کوچک (۹۰ الی ۱۲۰ متری) برای حمایت از کم در آمدها - اجازه ساخت حداقل مسکن در حرم شهرها - در نظر گرفتن زمین های ذخیره و نیز عرضه تدریجی خدمات شهری - سرمایه گذاری تدریجی برای تأمین هزینه های آماده سازی برای با جذب جمعیت - پرداخت استناد در رفاه خدمات شهری برای کم در آمدها از طریق تسهیلات خودتاد - تسریع در اجرای طرح و متناظر ها و هماهنگ ساختن برنامه های بخشی، قضایی و اجتماعی و اقتصادی - اصلاح سیستم های جمع آوری فاضلاب ها و زوایا ها - ساماندهی صنایع و مشاغل موجود - ارائه - کنترل رشد و توسعه جنبیتی و کابندی سکونتگاه های روستایی - استقرار ساختار مدیریتی منسجم و هماهنگ برای توسعه کابندی - مسائل توسعه سکونتگاه به دست حرم برق و گاز و سیستمها - جهت گیری به سمت فعالیت های اشتغال زا - کنترل بورس های زمین و مسکن - تکلیف ارتقا شهری و غیر عمومی - برنامه ریزی ساماندهی فعالیت های کارگاهی و آبادی</p>	<p>میان مدت</p> <p>۲</p>	
<p>سند کار های فردی و جامعه ای - توانمند سازی اقشار ساکن در این سکونتگاهها - برگزاری کارگاه های هدف هم افزایی سرمایه های کابندی و اجتماعی - تأمین سازی و ناری رسانی های موردی و فقهی - اصلاح ساخت و بافت کابندی و فزیرگی از حا از قبل راه دسترسی و ... - تنظیم نسبی قطعه بندی زمین - اصلاح نسبی وضع تأسیسات و تجهیزات زمینی و امثال آن - ساماندهی صنایع و مشاغل مردم از آلاینده - افزایش کیفیت محیط زیست محله و بلوکهای ساختمانی - جلوگیری از تغییر کاربری ارانی - کشاورزی - سلامت از امر گروه توسعه صنعتی بدون برنامه و برنامه در - پروژه شهری - ایجاد کامل شبکه فاضلاب و داخل محدوده قانونی شهرها - ایجاد سیستم به ساختار کابندی - اصلاح ورودی و خروجی های مراکز شهری و روستایی بزرگ - اجرای کامل شبکه فاضلاب و بهداشتی محیط زیست - برگزاری کارگاه های متعدد و آموزشی با رویکرد هدفمند سازی برنامه های سازمان ها روی تقری شهری - دوره های ویژه مهارت افزایی - فعالسازی صنایع سنتی و دستی زنان خانه دار با برگزاری بازارچه های هنرگی خاص.</p>	<p>کوتاه مدت</p> <p>۳</p>	

توضیح: این جدول در راستای تدوین رساله دکترا و با استناد به بیش از یکصد منبع معتبر علمی تدوین شده است.

جدول شماره ۴: ماتریس تحلیل و تولید راهبردهای مدیریت و مشارکت در برنامه‌های ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و کنترل و بهبود امنیت اجتماعی

عوامل بیرونی	فرصت‌ها	تهدیدها
عوامل درونی	<ol style="list-style-type: none"> ۱. شکل‌گیری شورای برنامه‌ریزی و توسعه شهرستان ۲. توجه به توسعه مشارکت‌های مردمی و توسعه نهادهای جامعه مدنی از طرف مجموعه دولت ۳. استفاده از پتانسیل برنامه‌ریزی و مشاوره‌ای در تهران برای رشد و توسعه شهرستان 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نظام بخشی حاکم بر ادارات شهرستان‌ها ۲. توزیع نامتناسب نیروی انسانی در سازمان‌های ذیربط ۳. اغتشاش و به هم ریختگی قوانین مربوط به رشد و کنترل توسعه سکونتگاه‌ها ۴. گسترش فعالیت باریبری بی‌برنامه در حوزه شهری
نقاط قوت	<ol style="list-style-type: none"> ۱. طراحی ساختار برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری خاص شهرستان و حوزه اسلامشهر - رباط‌کریم ۲. لحاظ بُعد امنیتی در کلیه مباحث و برنامه‌های شهرستان 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. سازماندهی به مدیریت انتقال صنایع، انبارها، کارگاه‌ها و باراندازها به سطح شهرستان ۲. توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مدیریت شهری در زمینه مباحث حاشیه‌نشینی و امنیت اجتماعی
نقاط ضعف	<ol style="list-style-type: none"> ۱. تقویت زمینه‌های مشارکت مردمی ۲. تسریع در تهیه طرح‌های توسعه کالبدی روستاهای پرجمعیت شهرستان 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. عدم انطباق ساختار سازمانی فرمانداری‌ها با نقش و وظایف این نهاد به عنوان هدایت‌کننده رشد و توسعه ۲. فقدان ساختار مدیریتی یکپارچه پوشش‌دهنده حیطه فضایی توسعه سکونتگاه‌ها ۳. نوپا بودن ساختار مدیریتی عمومی (شهرداری‌ها) در حوزه ۴. عدم تشکیل دهیاری‌ها به عنوان ارکان مدیریت عمومی در روستاها ۵. فراهم نبودن زمینه و بسترهای مشارکت شهروندی ۶. نبود نظام برنامه‌ریزی و بانک اطلاعات به هنگام و متناسب از مسائل اجتماعی، کالبدی و امنیتی شهرستان ۷. عدم پوشش کامل مراکز پلیس در سطح شهرستان
راهبردها	<ol style="list-style-type: none"> ۱. رفع موانع مدیریتی، مالی در راه تأسیس دهیاری‌ها ۲. یکپارچه‌نگری به اسکان غیررسمی در حوزه شهری اسلامشهر - رباط‌کریم ۳. تعریف فصول مشترک مدیریت امنیت اجتماعی در شهرستان‌های شهریار - اسلامشهر و رباط‌کریم ۴. هدایت کلیه برنامه‌ها و سیاستگذاری‌ها به سمت موضوع اسکان غیررسمی و امنیت اجتماعی 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. تقویت زمینه‌های مشارکت مردمی ۲. تسریع در تهیه طرح‌های توسعه کالبدی روستاهای پرجمعیت شهرستان

نمودار شماره ۲: راهبردها و الگوی فراگیر تحلیل کلان، میانه و خرد برای تحقق امنیت جامعه محور



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با روند رو به رشد شهرنشینی در کشور، فقر و حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، مهمترین تهدید برای رسیدن به محیط مطلوب است و در آینده بزرگترین چالش، از نظر امنیتی - اجتماعی، برای کشور به شمار می‌رود!

روند شهرنشینی شتابان معاصر ایران و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی متأثر از عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک قرن اخیر در پیوند با شرایط جهان سرمایه‌داری قابل تفسیر است. در این میان جایگاه ایران در تقسیم کار بین‌المللی و به عنوان تأمین‌کننده انرژی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای داشته است. در این روند اگرچه سازوکارهای سیاسی - اقتصادی تمرکز جمعیت در نقاط معدودی ایجاد شد (در نبود تفکر و برنامه آمایش سرزمین مصوب)؛ سازوکارهای تأمین نیازهای جمعیت و دسترسی عادلانه در این فضاها شکل نگرفت. بنابراین، کاستی‌های برنامه‌ریزی کالبدی و مسکن به همراه سازوکارهای برخورداری ناعادلانه، به حاشیه‌راندن کم‌درآمدهای شهری را در قالب سکونتگاه‌های غیررسمی به همراه داشته است. در حال حاضر برآوردهای نیمه‌رسمی توسط نهادهای متولی نشان می‌دهد در شهرهای بزرگ کشور جمعیت فراوانی با کم‌ترین دسترسی به امکانات در این سکونتگاه‌ها زندگی می‌کنند. در این میان آمارهای مربوط به شهرهایی چون تهران، مشهد، بندرعباس، سنندج، زاهدان، تبریز و کرمانشاه تکان‌دهنده است.

منابع

- آقابخشی، حبیب (۱۳۸۲). «حاشیه‌نشینان و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات)»، چاپ اول، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- افروغ، عماد (۱۳۷۵). «فضا و نابرابری اجتماعی»، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، مترجم ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷). «مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی»، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران، سمت.
- داودپور، زهره (۱۳۸۴). کلانشهر تهران و سکونتگاه‌های خودرو، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی معماری و شهرسازی ایران.
- ساسن، ساسکیا (۱۳۸۳). «جغرافیای جدید مرکز و حاشیه»، فصلنامه مدیریت شهری، ترجمه کیومرث ایران‌دوست، شماره ۱۷.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۴). «تحولات اقتصادی - اجتماعی استان تهران» (۸۳-۱۳۷۶).
- شکویی، حسین (۱۳۷۵). «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا»، تهران، جلد اول، گیتاشناسی.
- صالحی، مازیار (۱۳۸۱). «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر مهاجرت داخلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱). «مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری، با تاکید بر شرایط ایران»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، سال سوم.
- صرافی، مظفر (۱۳۸۱ الف). «بنیادهای توسعه پایدار کلانشهر تهران»، مجله شهروند مداری، شماره ۱۱، بهمن ماه ۱۳۸۱.
- صالحی، مازیار (۱۳۸۱). «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر مهاجرت داخلی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۴). «برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر و انباشت سرمایه»، مشهد، نیکا.
- کلاته، محمد (۱۳۷۸). «توسعه نابرابر و مهاجرت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مهندسین مشاور آبان (۱۳۸۴). «طرح جامع حوزه شدن اسلامشهر - رباط کریم»، سازمان مسکن و شهرسازی استان تهران.
- واثقی، قاسم (۱۳۸۱). «تدابیر و سیره عملی امام علی (ع) در تأمین امنیت اجتماعی»، تهران، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های ناجا.
- وزارت مسکن و شهرسازی (۱۳۸۵). «طرح جامع مسکن»، گزارش مقدماتی.